



مسائل فرهنگی با قوه قهریه پیش نمی‌رود

پای صحبت حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

اشاره

«مسائل فرهنگی با قوه قهریه پیش نمی‌رود. اگر اراده عمومی بر این تعلق نگیرد که خودش وضع را تغییر دهد، هیچ تغییری اتفاق نمی‌افتد. در موضوع سامان‌بخشی و معرفی کتاب و نهادینه کردن رفتارهای فرهنگی، باید سراغ آگاه‌سازی و جنبه‌های تبشیری قضیه برویم. ما باید به خانواده‌ها و معلمان با صراحت بگوییم که آثار غیراستاندارد، فکر فرزندان شما را تخریب می‌کنند!»

حجت‌الاسلام و المسلمین، دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان، معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به مناسبت برگزاری پانزدهمین «جشنواره کتاب رشد»، در گفت‌وگو با رشد جوانه، ضمن بیان مطالب بالا، چشم‌انداز سامان‌بخشی منابع و مواد آموزشی و پرورشی را مثبت ارزیابی کرد. متن گفت‌وگو با ایشان را در ادامه پی می‌گیریم.





❖ آقای دکتر محمدیان، اکنون در حال برگزاری پانزدهمین جشنواره کتاب رشد هستیم. ارزیابی شما از روند این جشنواره چیست؟

بدون شک هر جشنواره باید نسبت به جشنواره قبل چند قدم جلوتر باشد و نوآوری‌هایی داشته باشد. خانم کیا گزارش کردند که داوران یک تفاوت معنادار و خوب نسبت به نوع کتاب‌هایی که قبلاً ارائه شده، اعلام کرده‌اند. معلوم می‌شود که جشنواره آثار مثبت خودش را بر جای گذاشته است و این روش و منش تشویقی و به تعبیری آگاه‌سازی ناشران، مؤلفان، خانواده‌ها، و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش از کتاب استاندارد، موفق بوده است. ضمن اینکه رایج کردن فرهنگ و کلیدواژه کتاب استاندارد، خودش یک گام به جلوست. من از این بابت، هم از مجریان سامان‌دهی مواد و منابع آموزشی و تربیتی و هم از همه همکاران آشکار و پنهان که در کل آموزش و پرورش هستند، تشکر می‌کنم. خدا را هم شکر می‌کنیم که این توفیق را عنایت کرده است که ما در جهت در دسترس قرار دادن کتاب مطلوب برای معلم و دانش‌آموز گام‌های خوبی برداریم.

نکته بعد که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که مسائل

فرهنگی با قوای قهریه پیش نمی‌رود. قوای قهریه می‌تواند جایی مانع توسعه و گسترش آن شود، اما اگر اراده عمومی بر این تعلق نگیرد که خودش وضع را تغییر دهد، هیچ تغییری اتفاق نمی‌افتد.

اگر تغییر فرهنگی در نهاد ملی اتفاق نیفتد، هیچ‌کس نمی‌تواند افراد را مجبور به این معنا کند. ما باید در موضوع سامان‌بخشی و معرفی کتاب و نهادینه کردن رفتارهای فرهنگی، سراغ آگاه‌سازی

و جنبه‌های تبشیری قضیه برویم.

البته با کسانی که در فرایند این آگاه‌سازی و این جریان تشویقی، عالماً و عامداً اختلال ایجاد می‌کنند، باید برخورد کرد. چرا که این‌ها اجازه نمی‌دهند فرهنگ به صورت مثبتش توسعه پیدا کند. به همین دلیل من از اقداماتی که اتفاق افتاده‌اند، به آینده امیدوارم. اینکه امروز ۲۸۰۰ کتاب مناسب به دبیرخانه جشنواره بیاورد و ۱۳۰۰ جلد از آن‌ها درجه یک و درجه دو باشند و ما بتوانیم آن‌ها را دآوری کنیم، شرایط مناسبی است.

البته بازار نشر کتاب‌های کمک‌درسی انگیزه‌هایی هم برای تخلف دارد. شما اگر بخواهید کتاب علمی، فرهنگی، اجتماعی و... چاپ کنید، نهایت شمارگان آن سه هزار، پنج هزار یا ده هزار جلد خواهد بود. شمارگان آن‌ها دیگر از ده هزار جلد بالاتر نمی‌رود. اما کتاب آموزشی ممکن است شمارگان یک میلیون

داشته باشد و به چاپ دهم و یازدهم هم برسد؛ کم‌هزینه و کم‌مؤونه هم هست. یعنی این‌ها از روی کتاب‌های ما، کتاب می‌نویسند و کسی زحمت مطالعه و تحقیق را روی این کتاب‌ها نمی‌کشد. حق‌التألیف هم نمی‌دهند. آنچه ناشران در این قسمت می‌پردازند، حق تنظیم است. یا به تعبیری مناسب‌سازی است. در حالی که در کتاب‌های علمی، هنری و اجتماعی باید حتماً محقق تحقیق کرده باشد و مخاطب را شناخته باشد. الان اینجا مخاطب‌ها شناخته شده و طبقه‌بندی شده‌اند. لذا ناشر می‌داند این کتاب برای اول ابتدایی است. چون هزینه‌اش کم است و فایده‌اش زیاد، خودش تحریک‌کننده است برای اینکه تخلف هم انجام بدهد. می‌گوید: نهایتاً مرا به دادگاه معرفی می‌کنند و اگر یک جریمه یک میلیونی یا دو میلیونی یا ده میلیونی هم از من بگیرند، باز هم من سود کرده‌ام.

ما الان قیمت کتاب درسی ریاضی مان دو هزار تومان است، اما این‌ها کتاب را به قیمت بیست هزار تومان می‌فروشند. در حالی که هیچ صفحه از متنش را هم خودشان تحقیق نکرده‌اند و برای تحقیق هزینه نداده‌اند.

حالا این کسانی که کتاب غیراستاندارد می‌نویسند، می‌آیند پایبندش هم دو یا سه صفحه سؤال طرح می‌کنند. یعنی همه این‌ها را اگر از ۲۰۰ صفحه کتاب درسی جمع کنید، می‌شود مثلاً ۵۰ برگ. جواب‌ها را هم نداده‌اند و همه را آخر کتاب آورده‌اند. این نوع کارهای غیراستاندارد خطرناک‌اند. از طرف دیگر، جریان‌های رسانه‌ای، به دلیل تنگناهای مالی که خودشان اقرار می‌کنند دارند، به این‌ها سرویس می‌دهند. یعنی جریان رسانه‌ای به آثار غیراستاندارد سرویس می‌دهند! این هم یکی از موانع کار و راه ماست.

لذا با این راه سنگلاخ، اگر ناشر و مؤلف، معلم، دانش‌آموز و مدرسه به این نتیجه برسند که از کالای غیر استاندارد استفاده نکنند، ما قدم خوبی برداشته‌ایم. البته ما باید از این ضعف‌هایی هم که خانم کیا عنوان کردند و از هماهنگی‌های درون‌سازمانی و برون‌سازمانی دستگاه آموزش و پرورش و خارج از آن دستگاه هم غفلت نکنیم.

❖ تأثیرات منفی کتاب‌های کمک‌آموزشی غیراستاندارد بر نظام آموزشی کشور چیست؟

من تنها اشکال کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی غیراستاندارد را در این نمی‌بینم که در فرایند یاددهی و یادگیری ما اختلال ایجاد می‌کنند. بلکه بالاتر از این، کتاب‌های مزبور هدف‌های سند تحول را نشانه رفته‌اند. این کتاب‌ها مانع تحقق هدف‌های برنامه درسی ملی و سند تحول هستند. برای مثال، سند تحول یا برنامه درسی ملی گریز از حافظه‌مداری



دوستش دارند و آن را در اتاقشان می‌زنند. اما اگر یک تابلوی زیبا به کودک بدهید، شاید بگوید که قشنگ است و در اتاقش هم بزند، اما اگر پاره شود، عکس‌عملی نشان نمی‌دهد. پس آفت کتاب‌های کمک‌درسی غیراستاندارد تنها اختلال در فرایند یاددهی و یادگیری نیست، بلکه نشانه رفتن هدف‌های سند تحول بنیادین و برنامه‌ی درسی ملی است.

ما باید خیلی صریح‌تر با معلم‌ها و خانواده‌ها صحبت کنیم. بگوییم که آثار غیراستاندارد، فکر فرزندان شما را تخریب می‌کنند. آن‌ها که در پی آسان‌سازی متن کتاب درسی هستند، با توجه یا بی‌توجه، کارهایی انجام می‌دهند که اگر از اندازه بگذرد، دانش‌آموز را تنبل می‌کند. ما باید به خانواده‌ها و معلمان بگوییم که در سال جاری تنها ۲۷ درصد کتاب‌های کمک‌درسی تأیید و باقی رد شده‌اند و تولید این مقدار کتاب کمک‌درسی در کشور فراتر از استاندارد است.

و ورود به فرایند خلاقیت، تفکر و اندیشه را برای ما تکلیف کرده است. اولین عنصر از عناصر پنج‌گانه برنامه‌ی درسی ملی ارتقای تفکر و حکمت است. اما وقتی این کتاب‌ها می‌آیند، اصلاً موضعی برای تفکر و حکمت نمی‌ماند.

ما الان کتاب‌ها را با رویکرد حل مسئله و با نگاه انتقادی تدوین می‌کنیم که دانش‌آموز ما با نگاه انتقادی به متن توجه و مراجعه کند و با رویکرد حل مسئله به موضوعات بپردازد. اما کتاب کمک‌درسی به دانش‌آموز می‌گوید که من به جای تو فکر می‌کنم و به جای تو می‌پزم. حالا بیا تو این را که من پخته‌ام، بخور. دانش‌آموز هم همان یک جواب پخته شده را به مسئله می‌دهد. او خودش دیگر نمی‌رود تجربه کند، آزمایش کند و با خطا مواجه شود و یا روش‌های حل مسئله یا تدوین پروژه را خودش یکی یکی تجربه کند.

یکی از آثار رویکرد حل مسئله و توانمند شدن دانش‌آموز برای حل مسئله، ایجاد لذت یادگیری است. برخی از کتاب‌های کمک‌درسی لذت یادگیری را محو می‌کنند و از بین می‌برند. چرا؟ چون دانش‌آموز تلاش و کاری نکرده و لذا این جواب برایش مثل باقی نوشته‌هاست.

دانش‌آموزی که خودش مسئله را حل کند، مسئله را می‌فهمد و لذت می‌برد و از نظر خودش دفاع می‌کند. چرا امروزه بسیاری از محققان نسبت به پایان‌نامه‌ها و پروژه‌هایی که می‌نویسند، هیچ تعصبی ندارند؟ برای اینکه خودشان تحقیق نکرده‌اند. برای اینکه یافته مال آن‌ها نیست، فقط جمع‌آوری کرده‌اند. لذا هیچ‌کدام از این محقق‌ها مانند گالیله نمی‌شوند که تا پای جانش از نظریه‌اش دفاع کند. ما باید به دانش‌آموز یاد بدهیم که مسئله را خودش حل کند. خودش زحمت بکشد. کودکان وقتی خودشان نقاشی می‌کشند،

❖ آقای دکتر، آماری وجود دارد که وزارت ارشاد به صورت رسمی در سال ۱۳۹۵ منتشر کرده است. براساس این آمار،

۱۲ درصد از عناوین کل کتاب‌های منتشر شده کشور، کمک‌درسی بوده است، ولی شمارگان آن‌ها ۲۳ درصد و قیمت آن‌ها ۳۴ درصد کل کتاب‌های منتشر شده است. خب این نشانه سودآوری است! یعنی وقتی می‌بینید، کتاب‌های آموزشی و کمک‌درسی ۱۲ درصد عناوین، ۲۳ درصد شمارگان و ۳۴

اگر اراده عمومی بر این
تعلق نگیرد که خودش
وضع را تغییر دهد، هیچ
تغییری اتفاق نمی‌افتد

درصد قیمت همه کتاب‌های منتشر شده را به خود اختصاص داده‌اند، می‌فهمید که این موضوع به یک صنعت تبدیل شده است. دیگر به استعدادسنجی و این‌ها کاری ندارد. این سری دوزی است. مثل لباس‌های سری دوزی شده که حالا به تن کسی بیاید یا نیاید. به ضرب و زور تبلیغات هم می‌گوییم که باید تن کنید. این را باید ارشاد متوجه شود و ببیند که این موضوع در کشورهای صاحب فرهنگ و صاحب نشر چگونه است. به اعتقاد من این کمیت خودش غیراستاندارد است. این شمارگان منطقی نیست و نمی‌تواند مایه افتخار ما در تولید فرهنگی باشد.

❖ چه برنامه‌ای برای پررنگ کردن نقش معلمان در سامان‌دهی منابع و آثار تربیتی و آموزشی دارید؟

معتمد که ان‌شاءالله سال آینده دوره‌های آموزش معلمان را، ولو کوتاه‌مدت و پودمانی، برگزار کنیم، تا معلمان، هم با هنر تألیف و هم با هنر تشخیص کتاب خوب آشنا شوند. کتاب درسی را همان‌طور که می‌توانند نقد کنند، کتاب‌های بیرونی





را هم بتوانند نقد کنند و اجازه ندهند منابع غیراستاندارد وارد مدرسه شوند.

ما باید انجمن‌های علمی معلمان را در زمینه پرورش معلمان مؤلف فعال کنیم. مثلاً انجمن‌های علمی درسی که الان داریم، خودشان معلمان را به تألیف تشویق کنند و ما هم نهایتاً حمایتشان می‌کنیم. لازم است بگوییم، آثار خوبی را که تألیف کرده‌اند و شما نقد و بررسی کرده‌اید و خوب هستند، بیاورند تا منتشر کنیم. یا اگر منتشر شده‌اند، از آن‌ها حمایت کنیم. حدود چند صد انجمن در استان‌ها و شهرستان‌ها داریم. به این‌ها بگوییم، انجمن علمی شما با این ملاک‌ها و معیارها، آثار اعضایتان و معلم‌های شهرتان را، چه کتاب درسی، چه کتاب کمک‌درسی و چه کتاب دیگری در حوزه تخصصی شما باشد، بررسی کنید و اگر خوب است، معرفی کنید تا ما حمایت کنیم.

با این کار معلم‌های ما هویت جدیدی پیدا می‌کنند. خودشان می‌بینند که تولیدکننده علم شده‌اند. معلم‌های ما الان فقط آموزش‌دهنده هستند. عمدتاً برنامه‌ریز درسی و پژوهشگر نیستند. من انتظار دارم که به این کار در برنامه سال ۱۳۹۷ جدی‌تر بپردازیم. در سازمان، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی باید متولی آن باشد و من هم حمایت می‌کنم. «انتشارات مدرسه» هم باید پای این کار بیاید. مثلاً ما معلم شاعری داریم یا معلم خطاطی را پیروز از کردستان به من معرفی کردند که خودش قرآن را از اول تا آخر نوشته است و ۱۵۰ میلیون تومان خرج کرده است. حالا می‌خواهد این اثرش را منتشر کند. ما با جایی که کار قرآن می‌کند، ارتباط برقرار کردیم تا کارش را چاپ کنند. ما باید از معلم‌هایمان این‌گونه حمایت کنیم.

❖ سیاست شما در مورد آثار استاندارد و خوب مؤلفان و ناشران آن‌ها چیست؟

ما واقعاً آثار تولید شده خوب را باید تشویق کنیم. همان‌طور که می‌گوییم از معلم‌ها حمایت کنیم، از ناشران خوب هم باید حمایت کنیم. من ناشران خوب را رقیب نمی‌دانم. اعتقاد من این نیست که ناشر رقیب است. ناشران خوب، مؤلفان خوب، تولیدکنندگان مواد آموزشی و تربیتی خوب، رفقا و شرکای ما هستند. باید از این‌ها مواظبت و از آثارشان حمایت کنیم. در همین جشنواره باید آثار خوب را شناسایی کنیم و دست مؤلف

و ناشرش را بالا ببریم. او را تشویق و از او قدردانی کنیم. در جشنواره یکی از هدف‌هایمان شناسایی است. این شناسایی خدمت کردن به خانواده، معلم و دانش‌آموز است. کار دوم ما این است که همین افرادی را که معرفی کرده‌ایم، تشویق کنیم. سوم اینکه آن‌ها را به دیگران هم معرفی کنیم. جشنواره این کارها را می‌کند. همین را باید توسعه دهیم. دامنه تعریف و معرفی‌مان باید گسترش پیدا کند. ما که گفتیم نام کتاب‌های مناسب، آخر کتاب‌های درسی بیاید، معنایش این نیست که همه ساله نام همان کتاب‌هایی در آخر کتاب درسی بیاید که در سال ۱۳۸۵ آمده است. شما هر ساله باید به هنگام تألیف کتاب‌ها به روزآوری کنید. چون همه ساله کتاب‌های چاپ اول را می‌گیرید. یک کتاب هم یک بار یا دو بار بیشتر نباید معرفی شود. این را ضابطه بگذارید. نباید کتابی پشت کتاب درسی برای همیشه جا خوش کند. کتاب‌های جدید که آمد، باید عوض کنید. این حق ناشر و مؤلف است که کتابش معرفی شود.

❖ بخش مدرسه چه جایگاهی در سامان بخشی کتاب‌های آموزشی و تربیتی دارد؟

بخش مدرسه را در جهت دسترسی آسان معلم و دانش‌آموز به کتاب استاندارد پیش‌بینی کردیم. از طرف دیگر، برخی ناشران امکان توزیع سراسری ندارند. ما گفتیم، کتابی که پشت جلد کتاب درسی معرفی کرده‌ایم و دانش‌آموزی می‌خواهد بخرد، اگر در شهرش نمایندگی ناشر نیست و یا در کتابفروشی‌ها پیدا نمی‌شود، می‌تواند الکترونیکی بخرد و از اینجا برایش پست کنند. این را هم باید فعال کنیم. چون هنوز به آن معنی فعال نشده است.

ناشران هم باید کمک کنند و خودشان بیایند پای کار. همچنان که برای عمده‌فروشی‌های دیگر تخفیف قائل می‌شوند و هزینه‌های پستی را می‌دهند، اینجا هم باید برای انتشارات مدرسه هزینه‌های پستی و امکان دسترسی را پیش‌بینی کنند. یعنی کتاب را به قیمت پشت جلد به انتشارات مدرسه ندهند و همه این‌ها را محاسبه کنند. انتشارات مدرسه هم اینجا باید به صورت حرفه‌ای وارد کار شود. اما هدف اینجا سودآوری نیست. سود ما در این است که متن خوب و کتاب خوب در دسترس معلم و دانش‌آموز ما قرار بگیرد. ما دنبال سود ریالی، حاشیه سرمایه و این‌ها نیستیم. اگر کتاب خوب به دست دانش‌آموزان برسد، ما سود کرده‌ایم. ما اگر بتوانیم فرصت مطالعه را برای دانش‌آموزانمان توسعه بدهیم، سود کرده‌ایم.

من تنها اشکال آثار غیراستاندارد را ایجاد اختلال در فرایند یاددهی یادگیری نمی‌بینم. این‌ها هدف‌های سند تحول یا برنامه درسی ملی را هم نشانه رفته‌اند

❖ نظرتان دربارهٔ راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی که در معاونت سامان‌دهی تولید می‌شود، چیست؟
محتوای اسناد باید به‌روز شوند. این اسناد باید گویا و شفاف باشند. هم ناشر را بتوانند توجه دهند و هم خانواده و مصرف‌کننده را تا بدانند که چه چیزی استاندارد است. البته خیلی پیچیده و مغلق هم نباشند. مثلاً تصویر و تصویرگری باید جذاب باشد، یعنی چه؟ جذابیت‌های بصری کتاب چیست؟ در دوره‌های پیش‌دبستانی و ابتدایی، در خصوص دانش‌آموز پسر و دختر، روان‌شناسی رنگ‌ها یا روان‌شناسی محتوا چه می‌گوید؟ خط باید چگونه باشد؟

❖ نکته‌ای که تولیدکنندگان منابع آموزشی و تربیتی روی آن تأکید دارند و از آثار خودشان دفاع می‌کنند، این است که ما براساس نظام ارزشیابی و آزمون‌های گوناگونی که خود وزارت آموزش و پرورش برگزار می‌کند، کتاب تولید می‌کنیم، نظر شما در این مورد چیست؟

باید جلوی این آزمون‌ها گرفته شود. من هم مثل همه معتقدم که نباید شبه‌کنکورها را در آموزش و پرورش رواج دهیم. نظام ارزشیابی ما باید براساس سند تحول باشد. یکی از آن‌ها ارزشیابی تکوینی است. یکی هم ارزشیابی انتقال از پایه به پایه است که تجمعی است. ارزشیابی ما در دورهٔ ابتدایی ارزشیابی توصیفی تکوینی است. بخشی از ارزشیابی‌هایمان «شایستگی‌محور» است. باید آن شایستگی‌ها احصا شوند، نه نمره.

این شبه‌کنکورها ایجاد اختلال می‌کنند. برخی از این کتاب‌ها یا برای دوپینگ کردن هستند یا فست‌فودند! برای اینکه کسانی که تنبل هستند و کار نکرده‌اند، چیز آماده‌ای برای شب امتحان دستشان باشد.

❖ در این رابطه چه پیامی برای مسئولان دارید؟

مسئولان شورای عالی آموزش و پرورش ما که این نظام را طراحی کرده‌اند، باید در مورد نظام ارزشیابی سفارش کنند. مرکز سنجش باید این کار را انجام دهد و این یکی از وظایف حتمی دستگاه تعلیم و تربیت است که «نظام جامع ارزشیابی» را ارائه بدهد.

❖ آقای محمدیان، نهاد و واحد اصلی نظارت بر رساندن منابع استاندارد به دست دانش‌آموز و مردم، کیست؟ در جامعهٔ امروز

ما ظاهراً صداوسیما و دیگر ارگان‌ها راه خودشان را می‌روند. آیا نهاد مشخصی برای این کار هست؟

براساس مصوبهٔ ۸۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش، نهاد ناظر بر آنچه که به مدرسه وارد می‌شود، سازمان پژوهش و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است. مسئولیت نظارت بر آنچه هم که به شکل کتاب وارد جامعه می‌شود، با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. البته اینجا خلأیی وجود دارد: کتاب تولید می‌شود و ما بعداً دربارهٔ آنچه تولید شده قضاوت می‌کنیم که خوب است یا خوب نیست. چه بهتر که از همان اول وزارت ارشاد استانداردهایی را که ما اعمال می‌کنیم، اعمال کند. متأسفانه برخی از دوستان ما در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌گویند ما بیست و چهار ساعته باید جواب آثار رسیده را بدهیم و نمی‌رسیم. اگر وزارت ارشاد استانداردهایی را که ما داریم اعمال می‌کنیم، اعمال کند، شاید دیگر نیازی به این کاری که ما الان انجام می‌دهیم، نباشد.

❖ دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی ناظر بر محتوای آثار معرفی شده به مدرسه است. در مدارس چه کسی نظارت می‌کند که این منابع استاندارد وارد شوند؟

نظارت بر ورود کتاب به مدرسه بر عهدهٔ مدیر مدرسه است. تعیین چارچوب‌های کلی و اینکه کتاب استاندارد است یا نه، به عهدهٔ دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است. اما دیگرانی هستند که کتاب را به مدرسه می‌برند تا بفروشند. این مثل آن است که از دروازه‌ها و مرزهای غیرمجاز وارد شوند. یعنی ما گمرک هستیم و اگر کسی از خارج گمرک چیزی وارد کند، کالای قاچاق وارد کرده است.

❖ با صداوسیما چه کسی باید برخورد کند که مهم‌ترین نهاد فرهنگی کشور است و بسیاری از منابع غیراستاندارد را تبلیغ می‌کند؟

صداوسیما الان از هفت دولت آزاد است. این را باید مجلس محترم و دولت محترم پیگیری کنند. ما تا به حال هفت یا هشت بار نامه نوشته‌ایم و در برنامه‌های زندهٔ صداوسیما گفته‌ایم. اما همین که مصاحبه با من تمام شده، پشت سرش، تبلیغ فلان انتشارات دوباره پخش شده است!

نظارت بر ورود کتاب به مدرسه بر عهدهٔ مدیر مدرسه است. تعیین چارچوب‌های کلی و اینکه کتاب استاندارد است یا نه، به عهدهٔ دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است

